



۲۰۱۹/۰۸/۰۱



عبدالقیوم میرزاده

یاوه سرایی ترامپ برای ملت ما چه پیامی دارد؟

رئیس جمهور مست از باده قدرت ایالات متحده امریکا بتاريخ ۲۲ جولای سال روان در ملاقات اش با عمران خان صدراعظم پاکستان که مصروف بازدید رسمی از امریکا بود بیانات بس سخیفانه، مبتذل، واهی، فرسنگ ها دور از عرف دیپلوماتیک و همچوتجاوزگران قلدروحشی صریح الحجه در قبال افغانستان بیان داشت که در قسمتی از آن چنین میخوانیم: «..... اگر امریکا بخواهد در جنگ افغانستان در ظرف یک هفته پیروز خواهد شد..... من نمیخواهم ده میلیون نفر را بکشم. افغانستان ممکن است از صفحه روزگار محو شود..... می توانستم افغانستان را نابود کنم؛ نمیخواهم آن راه را بروم.....» صاحب نظران افغان و منطقه نظریات گوناگونه ای را در این بابت ارائه کرده اند:

سید حبیب سادات، روزنامه‌نگار افغان و عده زیادی از نمایندگان اقشار مختلف کشور در صفحات فیسبوک و توئیترشان نوشته اند که اگر دولت افغانستان (وزارت خارجه) استقلال سیاسی دارد باید سفیر امریکا را احضار کند. با آنکه بیشترین مبصرین تأکید بر احضار سفیر امریکا به وزارت خارجه افغانستان را در این رابطه داشتند تا احتجاجیه رسمی به آنکشور داده شود. اما وزارت خارجه افغانستان در رأس صلاح الدین ربانی احتمالاً این صلاحیت را در خود ندیده است تا سفیر کشور متجاوز را احضار کند، اما ارگ ریاست جمهوری افغانستان با نشر اعلامیه‌ای خواهان صراحت و توضیحات از جانب واشنگتن در مورد اظهارات آقای ترامپ شده و گفته که هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند سرنوشت این کشور را تعیین کند.

معاون سرمنشی ملل متحد ضمن طرح موضوع افغانستان در جلسه شورای امنیت، در باره گفتار ترامپ و برقراری قریب الوقوع صلح در افغانستان ابراز تردید کرد و گفت: « برقراری صلح پایدار در افغانستان زمانگیر است»

همچنان حنیف اتمر از کاندیدان ریاست جمهوری در صفحه فیسبوکش نوشته است: در حالی که با امریکا در مبارزه با تروریسم و گشودن صفحه جدید در تاریخ معاصر افغانستان مشترکا گام برداشته و متحمل قربانی شده‌ایم، این اظهارات آقای ترامپ را مغایر ارزش‌ها، منافع ملی و تعهدات دو جانبه هر دو کشور تلقی می‌نمایم.

حامد کرزی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان نیز در صفحه فیسبوکش نوشته: این اظهارات آقای ترامپ بازتاب مکنونات درونی رهبری امریکا در قبال مردم و کشور ما بوده و نشان می‌دهد که اینان به زندگی و کرامت انسانی هیچ احترامی قایل نیستند. او افزوده؛ دو سال قبل حکومت امریکا با استفاده بزرگترین بمب غیر

اتومی‌اش در خاک افغانستان، عدم حسن نیت‌اش را در قبال مردم افغانستان، حاکمیت ملی و ارزش‌های بشر دوستانه ما به نمایش گذاشت.

داکتر رنگین دادفر سینتا اظهارات پرزیدنت ترامپ را از منظر شکست امریکا در افغانستان ارزیابی کرد، از ویتنام مثال زد، و گفت: «این سرزمین همچنان پا برجاست. شما که می‌خواهید بروید، کسی هم از شما دعوت نکرده بود. خود آمدید، و خود می‌روید» و «ما صلح می‌خواهیم؛ اما برگشت حاکمیت پاکستان را نمی‌خواهیم» میر عبدالواحد سادات حقوق دان و آگاه سیاسی گفتار ترامپ در باره افغانستان را تروریسم دولتی و شکست اخلاقی امریکا تعریف کرد که موصوف با نهایت بی ادبی روی میثاق‌های بین‌المللی پا گذاشته است.

رحمت‌الله نبیل، از نامزدان ریاست جمهوری افغانستان در صفحه توئیترش نوشت: تمام سیاستمداران افغان به شمول غنی و رهبران گروه طالبان باید خودخواهی را کنار گذاشته و اعلام کنند که ما صلح را در میان خودمان می‌سازیم و نیازی به میانجیگری امریکا و پاکستان نیست. افغانستان باید محافظت شود، قبل از آنکه دیر شود.

عمر زاخیلوال، سفیر پیشین افغانستان در پاکستان در صفحه توئیترش نوشته: چنگیز و تجاوزگران پیش و بعد از ترامپ با همین نیت آمدند و رفتند اما این کشور همچنان مانند ستاره‌ای در آسمان می‌درخشد. این حرف تو (ترامپ) برای آنانی است که از آزمایش هرگونه سلاح جدید تو به شمول مادر بمب‌ها بر روستاهای خود استقبال کردند و هنوز هم می‌کنند.

نماینده روسیه، در شورای امنیت ملل متحد، در باره گفتار ترامپ و مسایل افغانستان و توافقات صلح امریکا با طالبان گفت: «...نه مقام‌های ارشد دولت افغانستان، و نه ناظران جهانی، اطلاعات دقیقی از جزئیات توافق امریکا با طالبان ندارند، ما از مبدل شدن تلاش‌ها برای صلح افغانستان به یک نمایشگاه خیالی و رقابت سیاسی میان کشورها نگرانی داریم.

اما محققان بین‌المللی در باره مسایل افغانستان و سیاست‌های امریکا در قبال افغانستان به این نظر اند که این گفتار سخیف، غیر دیپلماتیک ترامپ بیشتر تهدیدی بوده علیه کشورهایی (پاکستان، فدراتیف روسیه، ایران، چین و ...) که در پروژه طالبان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با استفاده از این ریزرف‌ها (طالبان) در پی تحقق استراتژی‌هایی هستند که با منافع ایالات متحده امریکا در تناقض قرار دارد.

از تحلیل همه این دیدگاه‌ها به این نتیجه می‌توان رسید که هم اکنون دو رویکرد، دو طرز فکر و دو سیاست امریکا را در قبال مسایل افغانستان شتابان ساخته است.

یک، سیاست نظامیان و محافظه‌کاران که برای حفظ و تداوم سیطره امریکا بر جهان از طریق استراتژی‌های بلند پروازانه حضور نظامی گسترده و آشوبگرانه همچو عراق، سوریه، لیبیا، افغانستان، سومالی، یمن، سودان و سایر نقاط جهان تأکید دارند.

و دو دیگر، سیاست مطروحه باراک اوباما رئیس‌جمهور قبلی امریکا که با درک انکشافات اوضاع بین‌المللی و رکود ظرفیت اقتصادی امریکا بر تقلیل بودجه نظامی، محدود ساختن پایگاه‌های ایالات متحده امریکا، محدودیت بر شمار منسوبین نیروی نظامی و استراتژی‌های استفاده از مهره‌های آشوبگر بومی و ضریفیت‌های کشور‌های همسایه در نقاط استراتژیک جهان پشتیبانی می‌کردند. که اکنون دونالد ترامپ در این خط دوم قرار داشته و با عده زیادی از استراتژیست‌های باورمند به خط اول اختلاف نظر دارد که مصمم است با این

گزاره گویی ها و به نحوی ماجراجویانه در هر دو خط نقش بازی کند. یعنی اینکه اگر پالیسی های خط اول که اکنون در اداره ترامپ زلمی خلیل زاد از تطبیق کننده گان فنانتیک این استراتژی می باشد کامیاب شد ترامپ از موفقیت آن به نفع خویش در انتخابات پیشروی ریاست جمهوری بهره برداری لازم خواهد کرد. اما اگر این پالیسی به ناکامی مواجه گردید آنرا به گردن نظامیان و استراتژیستهای طرفدار خط اول انداخته و باز هم در بازی های انتخاباتی از آن در مقابل طرفداران آن خط بهره برداری خواهد کرد. زیرا همزمان با این فعل و انفعالات وزیر خارجه ایالات متحده امریکا پومپئو اعلام کرد که خروج نیروها از افغانستان پیش از انتخابات ۲۰۲۰ یعنی نوامبر سال ۲۰۲۰ شروع می شود. همه این فعل و انفعالات جمع تلاشهای خلیل زاد دقیقاً میرساند که همه بر علاوه تأمین منافع استراتژیک امریکا مصرف تبلیغاتی برای انتخابات آینده امریکا نیز دارد.

اما اوضاع کشور ما و منطقه در این گپرو دار به کدام سمت سیر داشته و چه سرنوشتی در انتظار مردم بلا کشیده ای ما که حدود بیش از چهار دهه در آتش جنگ قلدر مآبانه بازی کنان بازی بزرگ میسوزد، می باشد؟ همانطوریکه ترامپ بعد از فعالیت یکساله دخترش ایوانکا و دامادش جرد کوشنر (معامله قرن) را به نفع اسرائیل تدارک دید و اراضی فلسطینیان چون بیت المقدس و بلندی های جولان را به اسرائیل حاتم بخشی کرد و سفارت اش را خلاف تعهدات بین المللی امریکا به یورشلیم انتقال داد و کنترل غرب آسیا و شرق میانه را با استفاده از نفوذ و پول سعودی و قدرت نظامی اسرائیل در دست گرفت. تلاش دارد تا به کمک زلمی خلیل زاد در وجود طالبان یا لشکر پاکستان افغانستان را نیز برای پاکستان تحفه وار تقدیم کرده و در عوض همکاری پاکستان برای حفظ منافع اش در جنوب آسیا و تأمین امنیت پایگاه هایش در افغانستان را بدست آورد.

اتورپته دادن، خروج طالبان از لست تروریسم بین المللی، آزادی زندانیان طالب از تمام زندانهای افغانستان، پاکستان و امریکا، معرفی طالبان در مجامع بین المللی و منطقوی، افتتاح دفترطالبان در دوحه مرکز قطر، تدویر و پیشبرد هفت دور مذاکره با تروریستان حرفوی معلوم الحال که روزی گفته میشد برج های نیویارک را نیز همین ها تخریب کردند، شامل ساختن نام سازمان آزادیبخش خلق های بلوچ در لست سیاه تروریزم بین المللی، عدم تقبیح فعالیت های تروریستی و حملات انتحاری طالبان که تقریباً همه روزه جان هزاران فرد ملکی بیگناه را در سراسر کشورما میگیرد از جانب محافل رسمی و غیر رسمی امریکا و متحدین بین المللی اش و تهیه راپور های کا ملاً جانبدار زیر عنوان موسسات بین المللی و ادارات وابسته به ملل متحد مبنی بر تضعیف نقش دولت افغانستان و مسئول شناختن دولت افغانستان در مبارزه با هراس افکنان، تروریستان و آدمکشان طالب همه و همه بیانگر این امر است که در این نقطه جنوب آسیا و افغانستان همانند نقش ژاندارم اسرائیل در شرق میانه وظیفه ژاندارمی جنوب آسیا برای حفظ منافع امریکا به پاکستان تفویض میگردد. برنامه طوری تدوین شده تا با استفاده از تهدید، تخویف، شر اندازی بوسیله مهره هایی چون عظامحمد نور و دیگران و فعالیت های ذوجوانب تخریبی مورال نیرو های مسلح کشور را تضعیف کرده و در مقابل به گونه های مختلف هم از طرق و ذرایع سیاسی و هم به کمک پوتانسیل نظامی طالبان را مورال بیشتر بخشیده و آخر الامر مصمم اند تا به مجرد پخش هیاهوی خروج نیرو های امریکایی طالبان یعنی پاکستان را بر سر قدرت بیآورند.

مجله سیاسی - اقتصادی فارن پالیسی (Foreign Policy) در شماره اخیر خود از رایان کراکر Ryan Crocker دیپلمات کهنه کار و سفیر سابق امریکا در افغانستان، عراق، کویت، پاکستان، سوریه و لبنان نقل میکند: « من از ابتدا این حس را داشتم که با رفتن به گفتگو با طالبان، بدون حضور دولت افغانستان یقیناً ما به

جهانیان اعلام کردیم که ما تسلیم شدیم..... آنها تلاش دارند تا طالبان را در سراسر افغانستان به قدرت رسانند. طی دو دهه آنها از عقیم ساختن رهبران طالبان طفره رفتند. سازمان استخبارات نظامی پاکستان که بیشتر طور مستقل و جدا از دولت اسلام آباد فعالیت دارد. از گروههای اسلام گرای رادیکال منجمله طالبان بر علاوه وسیله فشار علیه حکومت افغانستان به عنوان وسیله فشار استراتژیک بر ضد نفوذ هند در افغانستان جلوگیری از منافع هند در آسیای مرکزی استفاده میکنند. که به همین اساس امریکا به پاکستان نیازمند است.»

از اینجاست که بر عمق توطئه های ضد افغانی امریکا جداً میتوان پی برد. آنها برای حفظ منافع استراتژیک شان در جنوب آسیا پایگاه هایشان را در افغانستان مستقر کرده اند و امروز بنابر پالیسی های ترامپ قسمت قابل توجه سربازان خویش را بانیست از اینجا برگردانند. برای تأمین امنیت این پایگاه ها به پاکستان بحیث شریک استراتژیک نیازمند اند. که در افغانستان برای فریب اذهان مردم نام لشکر نیابتی پاکستان یا لشکر ISI را طالبان گذاشته اند.

حتی در تحلیل های نهایی میتوان پی برد در صورتیکه پاکستان موانع سر راه چین را برای پروژه های انکشافی جنوب آسیا، راه ابریشم و بندر گوادر بلند و بلند تر کند احتمالاً که امریکا مصمم است تا پاکستان دو باره منحیث شریک ترجیح نا پذیر امریکا در جنوب آسیا جای هند را بگیرد.

این است تهدید های بالقوه و بالفعل که بطور همه جانبه، مدون و فراگیر حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، آزادی ها و تمام دستآورد های انسانی ما را نشانه گرفته است. در بحث بالا من صرف به مداخلات امریکا و پاکستان اشاره کردم اما ابعاد این مداخلات طی سالهای اخیر بسیار فرا تر از آنست. طی سالهای اخیر فدراتیف روسیه، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، انگلیس، چین و کشور های آسیای میانه هر کدام سرمایه های هنگفتی را غرض ایجاد ریزرف های مطمئن برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی هزینه کرده اند که هر کدام در شرایط کنونی در تئانی با طالبان و همقطاران شان در دستگاه اداره دولت تا سالهای اخیر حضور داشتند با دور زدن حکومت افغانستان در حقیقت عین نقش امریکا را برای سرنگونی حکومت افغانستان به نفع پاکستان و لشکر نیابتی اش طالبان بازی میکنند.

هموطنان بسیار عزیز! کشور محبوب ما افغانستان روز های بسیار دشوار تاریخ خویش را سپری میکند، خصم هر روز قصد جان نیرو های ملی طرفدار آزادی و آبادی افغانستان را دارند، حملات اخیر به جان شخصیت های با نفوذ و بادرک کشور ما که منافع ملی برایشان ارجحیت داشته زنگ خطری است برای همه ملت افغان که مُجبان شان در معرض خطر مرگ و نابودی قرار دارند. امروز سلامت افغانستان به اتحاد، همبستگی، همدلی، همزیستی، همفکری و همنوایی همه مردم ما اعم از احزاب سیاسی، سازمانها، اتحادیه ها، شخصیت ها، افراد با نفوذ محلی خلاصه همه ملت نیازمند است. این روز های سرنوشت ساز هستی و نیستی کشور ما را رقم میزند. نباید بی تفاوت و سبکسر از آن گذشت زیرا مادر وطن که ما را در دامن خویش پروراند بر ما این حق را دارد تا از سلامت اش با همه امکانات خویش دفاع کنیم و نگذاریم خصم بر این دیار مرد خیز فایق آید. اتحاد همه ملت متضمن سلامت و موفقیت ملت است.